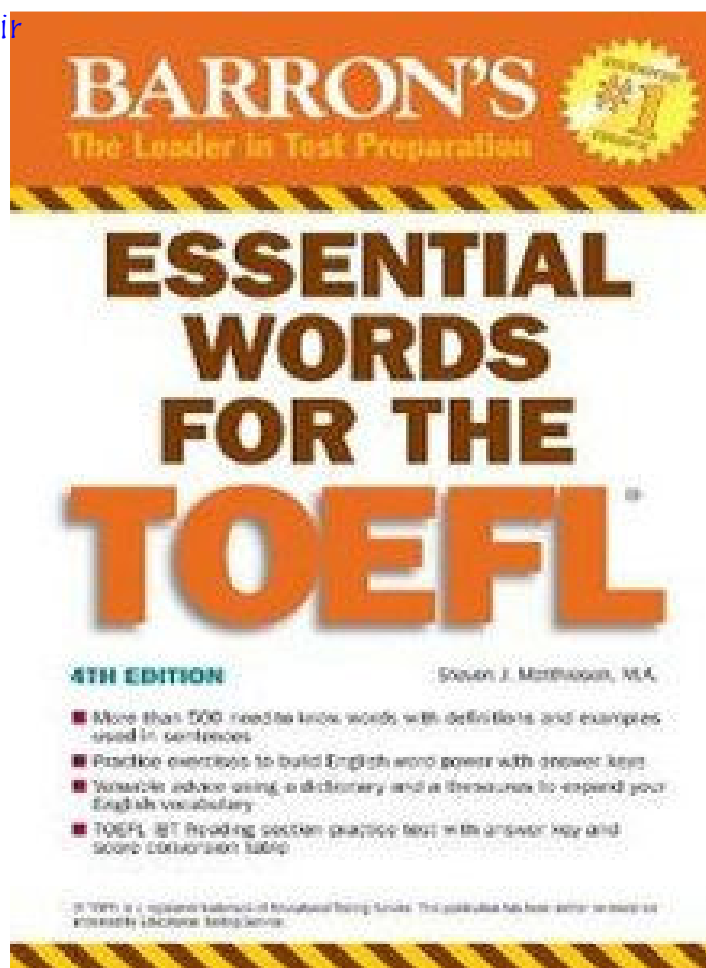




جعبه لایتنر چیست ؟

یکی از روش های مؤثر برای یادگیری و حفظ کردن مطالب ، استفاده از جعبه لایتنر است . در اینجا نحوه کار با این جعبه را توضیح می دهیم و امیدواریم شما با استفاده از این ابزار ساده و سودمند، بر یادگیری خود بیفزائید و در زمان محدودتر باکیفیت بهتر مطالب بیشتری را به خاطر بسپارید.

جعبه یادگیری لایتنر:

این وسیله که توسط محقق اتریشی آقای 'سباستین لایتنر' طراحی شده است . مطالب را از حافظه کوتاه مدت شما به حافظه بلند مدتتان منتقل می نماید. این گام به گونه ای انجام می گیرد که شما احساس یک تفکر سخت یا تکرارهای خسته کننده نخواهید کرد انسان وقتی از کاری لذت ببرد دیگر احتیاجی نیست تا خود را مجبور کند به آن بپردازد بلکه خود به خود به طرف آن می رود.

اساس علمی:

این وسیله بر اساس تجارب روانشناسی و تربیتی زیر طراحی شده است .

1) اگر انسان یک مطلب یا مفهوم را به خوبی فرا بگیرد بعد از یک روز تا یک هفته تقریباً 45% آنرا فراموش می کند و بعد از یک ماه 80% آن فراموش می شود به این ترتیب فقط 20% وارد حافظه دراز مدت می شود. جعبه لایتنر برنامه را به گونه ای تنظیم می کند تا با بیشترین تکرار در قسمت خطرناک منحنی فراموشی، مطالب به حافظه دراز مدت هدایت شود.

(2) آزمایش اسکینر: این آزمایش می گوید هرگاه بلافاصله بعد از هر عملی پاداش دریافت شود، باعث تشدید آن عمل می شود. وقتی در بازی موفقیتی به دست می آورید پاداش می گیرید که همان امتیاز بیشتر است. این امتیاز بیشتر چون به شما رضایت می دهد تمایل پیدا می کنید که کماکان با شدت بیشتری به بازی ادامه دهید.

از این خاصیت در جعبه یادگیری "لایتنر" استفاده شده است، یعنی شما هر بام که چیزی را یاد می گیرید به قسمت بعدی می روید امتیاز می گیرید و همین باعث می شود دائما از آن با تمایل قلبی استفاده کنید.

مزایای این وسیله :

(1) از تکرارهای غیر ضروری جلوگیری می کند، به عبارتی دیگر شما برای آنکه مطالبی را از حافظه کوتاه مدت به بلند مدت منتقل کنید نیازمند تکرارهای مکرر هستید، اما وقتی يك صفحه را برای چندمین بام مطالعه می کنید مطالبی را که بلد هستید مجددا می خوانید در صورتیکه دیگر لزومی به تکرار آن نیست و تکرار بی جهت آن باعث اتلاف وقت و انرژی، بی حوصلگی و در نتیجه دلزدگی شما می شود اما جعبه لایتنر فقط مطالب چموش و رام نشدنی را شکار کرده و ما را وادار به تکرار آن می کند.

(2) اگر شما آنرا برای مدتی هم رها سازید هیچ اختلالی در کار یادگیری ایجاد نمی شود جز آنکه مجبور می شوید کارها را بار دیگر مرور کنید. البته توصیه ما این است که کار را به طور منظم ادامه دهید.

(3) باگرفتن امتیاز و مشاهده پیوسته موفقیت، یادگیری برای شما از يك حالت خسته کننده به يك بازی لذت بخش و دل نشین تبدیل می شود.

چگونه از جعبه لایتنر استفاده کنیم ؟

جعبه لایتنر يك قوطی در باز است که از پنج قسمت تشکیل می شود. (شکل زیر)

۱	۲	۴	۸	۱۵
---	---	---	---	----

عرض قسمت های مختلف به ترتیب یک، دو، چهار، هشت و پانزده سانتی متر است. این جعبه را می توانید خودتان با مقوا و مثلا از قوطی پودر لباس شویی، کفش و ... درست کنید، یا اینکه جعبه آماده را از بیرون خریداری کنید.

این روش را می توانید برای یادگیری لغات زبان انگلیسی، فارسی، عربی و یا هر فرمول یا مطلب درسی فراری که می خواهید به خاطر بسپارید به کارگیرید.

هر موضوع یاد گرفتنی را روی يك برگ کاغذ (فیش) می نویسید. دقت کنید که روی هر فیش یک موضوع یادگرفتنی را بنویسید یعنی لغت را در یک روی کاغذ و جواب آن را در روی دیگر برگه می نویسید. در روی يك برگه بیش از یک موضوع را ننویسید. می توانید در يك روی برگه مثلا سمت چپ يك موازنه شیمیای را بنویسید و در پشت آن نتیجه و سمت راست موازنه را بنویسید هم چنین می توانید برای فرمولهای فیزیک یا ریاضی یا مطالب درس زیست شناسی و به طور کلی برای هر يك از مطالب حفظ کردنی این روش را به کارگیرید. البته تا به حال بیشترین استفاده از این روش در مورد یادگیری واژه های زبان بوده است.

مراحل کار:

1. روز اول : تعدادی از برگه ها (فیش ها) را تکمیل می کنید و پس از اینکه هر دو روی برگه را یکی دوبار مرور کردید برگه ها را در خانه اول جعبه قرار دهید. می توانید هر روز، ده پانزده یا تعداد بیشتری برگه آماده نمائید. شاید در بعضی روزها هم برگه ای تهیه نکنید.

2. روز دوم : ابتدا برگه های راکه دیروز تهیه کرده بودید از خانه اول بردارید. سوال ها را از روی برگه بخوانید و سعی کنید جواب ها را به خاطر بیاورید آنهایی راکه بلد نبودید مجددا در خانه اول قرار دهید و آنهای راکه بلد بودید به خانه دوم منتقل کنید و پشت این برگه ها يك کاغذ رنگی با ارتفاع بیشتر قرار دهید. در پایان ، برگه هایی راکه در روز دوم برای اولین بار تهیه کرده اید در خانه اول قرار دهید.

3. روز سوم : به برگه های خانه دوم دست نمی زنید زیرا خانه دوم هنوز تکمیل نشده است و ظرفیت دوگروه برگه را دارد. پس باز هم از برگه های خانه اول شروع می کنید و برگه های را که جواب سوالاتشان را بلد هستید به خانه دوم منتقل می کنید و در پشت کاغذ رنگی قرار می دهید تا این برگه ها با برگه های روز گذشته مخلوط نشود. برگه های که پاسخشان را بلد نیستید به همراه برگه های جدیدی که امروز تهیه کرده اید در خانه اول قرار دهید.

3. روز چهارم :

الف) امروز ابتدا از خانه دوم شروع می کنید زیرا خانه دوم ظرفیت دوگروه برگه را دارد و ظرفیت آن روز قبل تکمیل شده است. ولی فقط برگه های ردیف جلوتر را برمی دارید. (یعنی برگه هایی که جلوی کاغذ رنگی قرار دارند) سوالات روی این برگه ها را مطالعه می کنید و اگر جواب درست دادید برگه ها را در داخل خانه سوم و در ابتدای آن قرار می دهید و پشت این برگه ها يك کاغذ رنگی با ارتفاع بیشتر قرار می دهید تا فاصله گذاری مشخص شود ضمنا برگه های باقی مانده در خانه دوم را جلوتر می برید و کاغذ رنگی را در پشت این برگه ها می گذارید.

ب) سپس به خانه اول برگردید و برگه های آن را بردارید و آنهایی را که بلد هستید در خانه دوم و پشت کاغذ رنگی قرار می دهید

ج) برگه هایی که پاسخ آنها را بلد نیستند و همچنین برگه های جدید راکه تهیه کرده اید در خانه اول می گذارید.

5. خانه سوم برای چهارگروه برگه در نظر گرفته شده و باید چهار روز صبر کنید تا این قسمت تکمیل شود البته هر روز پس از ورود برگه ها از خانه دوم به خانه سوم پشت این برگه ها يك کاغذ رنگی می گذارید تا قسمت سوم هم به تدریج و پس از چهار روز تکمیل شود.

6. خانه چهارم جای هشت گروه برگه را دارد و هشت روز پس از ورود اولین برگه ها پر خواهد شد. خانه پنجم جای پانزده گروه برگه را دارد و پانزده روز پس از ورود اولین برگه ها به این قسمت تکمیل می شود. یعنی اگر شما در کارتان وقفه ای نیندازید 30 روز طول خواهد کشید تا هر 5 قسمت جعبه لایتنر تکمیل شود. توجه دارید که بین هر دو گروه برگه یک کاغذ رنگی با ارتفاع بیشتر قرار می دهید تا برگه های مربوط به روزهای مختلف با یکدیگر مخلوط نشوند از روز سی و یکم به تدریج برگه ها از داخل جعبه خارج می شود و شما می توانید این برگه ها را بایگانی نمایید زیرا پس از 5 بار تکرار موفقیت آمیز هر برگه در زمان های متفاوت می توانید مطمئن باشید که آن موضوع را برای همیشه فراگرفته اید و هیچگاه آنرا فراموش نخواهید کرد.

نتیجه : به این ترتیب شما با روشی که شبیه بازی انفرادی است و در اوقات فراغت می توانید باکمترین میزان اتلاف وقت آنچه را که یادگیری اش برایتان مشکل تر است بیشتر تکرار کنید و زودتر و بهتر و برای همیشه به خاطر بسپارید و آنچه را که زودتر یاد می گیرید فقط با 5 بار تکرار برای همیشه فرا بگیرید.

تذکر: روش استفاده صحیح از جعبه لایتنر به همین ترتیبی است که در این نامه توضیح دادیم امیدواریم شما نیز با به کارگیری این روش در حفظ کردن و به خاطر سپاری مطالب درسی موفق شوید.

يك نکته مهم : در هر مرحله که به سوال يك برگه نتوانستید جواب دهید باید آن برگه را به اولین خانه برگردانید.

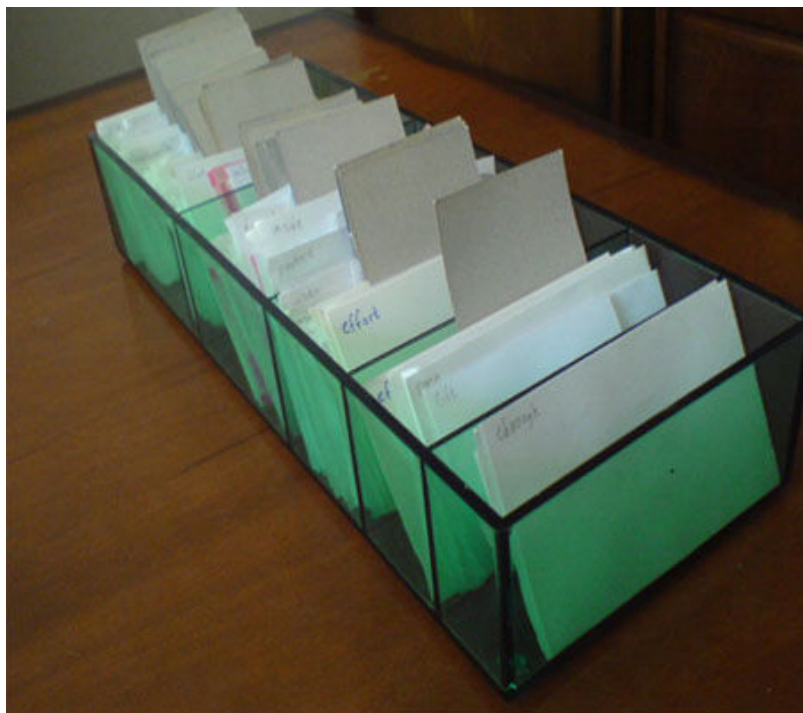
پاسخ به يك سؤال : یکی از داوطلبان که با جدیت از جعبه لایتنر استفاده می کرد با نگرانی سؤالی را مطرح کرد، او پرسید: مگر شما نگفته بودید وقتی يك برگه را پس از پنج بار تکرار در جعبه لایتنر از جعبه بیرون گذاشتیم آن موضوع برای همیشه در حافظه مان باید ثبت شود. جواب دادم ، بله همینطور است . او ادامه داد ولی من برگه هایی را که يك ماه پیش از جعبه بیرون گذاشته ام بار دیگر مطالعه کردم و متوجه شدم جواب آنها را فراموش کرده ام . می دانید مشکل این داوطلب چه بود؟

او هربار که جواب برگه ای را بلد نبود آن برگه را به خانه قبلی برمی گرداند در صورتیکه لازم بود آن برگه را به خانه اول برگرداند و مجدداً تمام مسیر را از اول طی کند. شما باید بتوانید يك برگه را بدون هیچگونه اشتباه در پنج بار تکرار در فواصل تعیین شده به درستی پاسخ دهید، یعنی حتی یکبار هم اشتباه نکنید و اگر اشتباه کردید آن برگه را به اولین خانه برگردانید

یک تجربه : من خود از این جعبه به طور مداوم برای لغات زبان استفاده کردم ، باید بگویم 90% مطالب در ذهنم مانده ایت و فقط 10 % مطالب در ذهنم تثبیت نشده است . آن هم به خاطر این بود که در بعضی از روز ها از آن استفاده نکردم.

برای تهیه برگه مطالب می توانید یک برگه A4 را با تا کردن به 16 قسمت تقسیم کرده (مطابق شکل) و آن را با قیچی ببرید و یا اینکه آن را از بیرون خریداری نمایید.

البته در مطالب زیر برگه A4 به 21 قسمت تقسیم بندی شده است .



منابع : برخی از این مطالب از "دفتر برنامه ریزی به روش قلم چی" می باشد.

با تشکر از :

www.litner945.blogfa.com

www.basiji.gigfa.com

نحوه ی استفاده :

برای یادگیری کلمات لازم است از صفحه 7 الی آخر را به صورت **پشت و رو** پرینت کرده تا معنی کلمه مورد نظر دقیقا پشت آن قرار گیرد .

تهیه کننده :

علی احسان پور

essential word toefl 1 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 1	essential word toefl 1
acceptable	abrupt	abroad

essential word toefl 1	essential word toefl 1	essential word toefl 1
adverse	actually	acclaim

essential word toefl 1	essential word toefl 1	essential word toefl 1
autonomous	attractive	advice

essential word toefl 1	essential word toefl 1	essential word toefl 1
haphazardly	disruptive	disapproval

essential word toefl 1	essential word toefl 1	essential word toefl 1
wide	persistent	ideal

essential word toefl 2	essential word toefl 2	essential word toefl 2
advent	advantage	advanced

essential word toefl 2	essential word toefl 2	essential word toefl 2
allow	albeit GeneralEnglish.ir	agile

خارج از کشور ، وسیع

ناگهانی ، بیخبر

پذیرفتنی ، قابل پذیرش

تحسین ادعا کردن

واقعا ، بالفعل ، عملا

مخالف ، مغایر

عقیده ، پند ، نصیحت

کشنده ، جاذب ، جالب ، دلکش

خود مختار

تقبیح ، مذمت ، عدم تصویب

درهم گسیخته ، نفاق افکن

بر حسب اتفاقی

آرمان ، آرزو ، ایده آل ، دلخواه

پایا ، مداوم ، ایستادگی کننده

پهن ، عریض ، گشاد

پیشرفته ترفیع رتبه دادن

صرفه ، سود ، برتری

ظهور و ورود

چابک ، زرنگ ، فرز ، زیرک

اگرچه ، ولو اینکه
GeneralEnglish.ir

رخصت دادن ، اجازه دادن

essential word toefl 2 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 2	essential word toefl 2
contemporary	celebrated	appealing

essential word toefl 2	essential word toefl 2	essential word toefl 2
energetic	encourage	distribute

essential word toefl 2	essential word toefl 2	essential word toefl 2
worthwhile	refine	frail

essential word toefl 3	essential word toefl 3	essential word toefl 3
ancient	analyze	alter

essential word toefl 3	essential word toefl 3	essential word toefl 3
conform	anticipate	annoying

essential word toefl 3	essential word toefl 3	essential word toefl 3
intolerable	intensify	detect

essential word toefl 3	essential word toefl 3	essential word toefl 3
ongoing	observe GeneralEnglish.ir	enrich

جذاب ، خوش آیند

نامدار ، نامی ، مشهور

معاصر ، همزمان

پخش کردن ، تقسیم کردن

تشویق کردن ، دلگرم کردن

پرتکاپو ، کارمایه‌ای ، جدی

نحیف ، شکننده

پالودن ، تصفیه کردن

ارزنده ، قابل صرف وقت

دگرگون کردن ، دگرگون شدن

تحلیل کردن

باستانی ، دیرینه ، قدیمی

رنجش آور

پیش بینی کردن ، انتظار داشتن

همنوائی کردن ، مطابقت کردن

یافتن ، کشف کردن

سخت کردن ، تشدید کردن

تحمل ناپذیر

غنی کردن ، پرمایه کردن

رعایت کردن ، مشاهده کردن

در حال پیشرفت ، مداوم

essential word toefl 3 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 3	essential word toefl 3
vital	restore	propose

essential word toefl 4	essential word toefl 4	essential word toefl 4
arbitrary	apparent	ambiguous

essential word toefl 4	essential word toefl 4	essential word toefl 4
astute	astound	assert

essential word toefl 4	essential word toefl 4	essential word toefl 4
determined	deceptively	authorize

essential word toefl 4	essential word toefl 4	essential word toefl 4
petition	forbid	elicit

essential word toefl 4	essential word toefl 4	essential word toefl 4
tempt	resilient	relinquish

essential word toefl 5	essential word toefl 5	essential word toefl 5
bear	baffle GeneralEnglish.ir	amaze

پیشنهاد کردن ، پیشنهاد ازدواج
کردن

اعاده کردن ، ترمیم کردن

حياتي ، واجب

مبهم ، دو پهلو

آشکار ، ظاهر ، معلوم

اختياري ، دلخواه ، مطلق

ادعا کردن

گیج ، متحیر ، مبهوت کردن

زيرك ، ناقلا ، دانا

اجازه دادن ، اختیار دادن

بطور فريب اميز

مصمم در نفس خود ، خود راي

بيرون کشيدن ، استخراج کردن

قدغن کردن ، منع کردن

دادخواست ، عرضحال ، عريضه

ول کردن ، ترك کردن ، چشم
پوشيدن

مرتجع ، فري

اغوا کردن ، فريفتن

مبهوت کردن ، مات کردن

گیج یا گمراه کردن
GeneralEnglish.ir

زائيدن ، تحمل کردن

essential word toefl 5 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 5	essential word toefl 5
brilliant	blur	block

essential word toefl 5	essential word toefl 5	essential word toefl 5
delicate	challenge	caution

essential word toefl 5	essential word toefl 5	essential word toefl 5
persuade	intrigue	enhance

essential word toefl 5	essential word toefl 5	essential word toefl 5
unique	shed	replace

essential word toefl 6	essential word toefl 6	essential word toefl 6
commonplace	coarse	chiefly

essential word toefl 6	essential word toefl 6	essential word toefl 6
conventional	complex	comparatively

essential word toefl 6	essential word toefl 6	essential word toefl 6
exclusively	exceedingly GeneralEnglish.ir	curious

بلوك ، سد ، مسدود کردن

لکه ، تیرگی

بااستعداد ، برلیان

احتیاط ، پیش بینی ، هوشیاری

بمبارزه طلبیدن ، رقابت کردن

ظریف ، خوشمزه ، لطیف

افزودن ، زیادکردن ، بلندکردن

دسیسه کردن ، توطئه چیدن

وادر کردن ، برآن داشتن

جایگزین کردن

جاری ساختن ، کپر ، آلونک

یکتا ، یگانه ، منحصر به فرد

مخصوصا ، بطور عمده

زبر ، خشن ، زمخت ، بی ادب

پیش پا افتاده ، معمولی

نسبتا ، بطور نسبی

پیچیده ، مرکب از چند جزء

مرسوم ، مطابق آئین وقاعده

کنجکاو ، نادر ، غریب

بعد زیاد

منحصرا ، انحصارا

essential word toefl 6 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 6	essential word toefl 6
rigid	indeed	immense

essential word toefl 6	essential word toefl 6	essential word toefl 6
visibly	sufficiently	routinely

essential word toefl 7	essential word toefl 7	essential word toefl 7
clarify	conceal	appropriate

essential word toefl 7	essential word toefl 7	essential word toefl 7
convenient	constant	confirm

essential word toefl 7	essential word toefl 7	essential word toefl 7
diverse	distort	core

essential word toefl 7	essential word toefl 7	essential word toefl 7
reveal	purposefully	prosperous

essential word toefl 8	essential word toefl 8	essential word toefl 8
theoretically	scarcely GeneralEnglish.ir	critical

بیکران ، پهناور ، وسیع

براستی ، راستی ، حقیقتا

سخت ، سفت و محکم

روزمره ، کار عادی

بقدر کفایت

بطور مرئی

اختصاص دادن

پنهان کردن ، نهان کردن

روشن کردن ، واضح کردن

تایید کردن ، تصدیق کردن

ثابت

راحت ، مناسب

ماهیچه ، هسته

کج کردن ، تحریف کردن

گوناگون ، مختلف ، متغیر ، متمایز

کامیاب ، موفق ، کامکار

با داشتن مقصود

آشکار کردن ، فاش کردن ، معلوم کردن

بحرانی ، انتقادی

زورکی ، به دشواری

ار لحاظ فرض عملی

essential word toefl 8 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 8	essential word toefl 8
create	crack	accelerate

essential word toefl 8	essential word toefl 8	essential word toefl 8
cultivate	crush	creep

essential word toefl 8 8	essential word toefl 8	essential word toefl 8
flaw	distinguish	dictate

essential word toefl 8	essential word toefl 8	essential word toefl 8
obtain	mirror	harvest

essential word toefl 8	essential word toefl 8	essential word toefl 8
transport	settle	particle

essential word toefl 9	essential word toefl 9	essential word toefl 9
currency	classify	accurate

essential word toefl 9	essential word toefl 9	essential word toefl 9
Depend on	dense GeneralEnglish.ir	deep

تسريع کردن ، سرعت دادن

شکاف برداشتن ، ترکيدن

آفریدن ، ايجاد کردن

خزیدن ، مورمور شدن

فشردن ، چلانندن ، له شدن

کشت کردن ، زراعت کردن

ديکته کردن ، با صدای بلند خواندن
، امر کردن

تميز دادن

درز ، رخنه ، عيب ، خدشه

محصول ، درو کردن

آئینه ، درآینه منعکس ساختن ،
بازتاب کردن

بدست آوردن

خرده ، ریزه ، ذره

ساکن کردن

حمل کردن ، حامل

دقیق ، صحيح

رده بندي کردن

پول ، رواج

گود ، ژرف ، عمیق

چگال ، غلیظ ، متراکم ، انبوه
GeneralEnglish.ir

وابسته بودن ، مربوط بودن

essential word toefl 9 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 9	essential word toefl 9
exports	display	dim

essential word toefl 9	essential word toefl 9	essential word toefl 9
lasting	impressive	gigantic

essential word toefl 9	essential word toefl 9	essential word toefl 9
vibrant	uniform	treasury

essential word toefl 10	essential word toefl 10	essential word toefl 10
dormant	dominant	distinct

essential word toefl 10	essential word toefl 10	essential word toefl 10
elaborate	dramatic	drab

essential word toefl 10	essential word toefl 10	essential word toefl 10
minuscule	hazardous	exceptional

essential word toefl 10	essential word toefl 10	essential word toefl 10
sensitive	rudimentary GeneralEnglish.ir	prime

کم نور ، تاریک ، تار ، مبهم

نمایش دادن ، نشان دادن

کالاهای صادراتی

غول پیکر

موثر ، برانگیزنده

دیرپای ، بادوام ، ماندنی

خزانه داری ، گنجینه ، گنج ، خزانه

یکسان ، متحد الشكل ، یکنواخت

مرتعش ، لرزان

مشخص ، مجزا ، جدا ، واضح ،
شمرده

چیره ، مسلط ، حکمفرما

خوابیده ، ساکت

زن شلخته ، فاحشه ، جنده بازی
کردن

نمایشی ، مهیج

استادانه درست شده ، بزحمت
درست شده

استثنائی

پرخطر

کوچک ، خرد ، حرف کوچک

اول ، عمده ، نخست ، زبده

ناقص ، اولیه ، بدوی
GeneralEnglish.ir

حساس ، نفوذ پذیر ، دارای
حساسیت

essential word toefl 10 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 10	essential word toefl 10
vigorous	terrify	superficial

essential word toefl 11	essential word toefl 11	essential word toefl 11
disperse	destroy	amenity

essential word toefl 11	essential word toefl 11	essential word toefl 11
elementary	element	dwelling

essential word toefl 11	essential word toefl 11	essential word toefl 11
encircle	emphasize	eliminate

essential word toefl 11	essential word toefl 11	essential word toefl 11
mention	exaggerate	erratic

essential word toefl 11	essential word toefl 11	essential word toefl 11
release	prevalent	pier

essential word toefl 12	essential word toefl 12	essential word toefl 12
broaden	blind GeneralEnglish.ir	benefit

صوري ، سطحي ، سرسري

وحشت زده کردن

پرزور ، نیرومند ، زورمند

سازگاري ، مطبوعيت ، نرمي ،
ملايمت

خراب کردن ، ویران کردن

پراکنده کردن ، متفرق ساختن

خانه مسكوني ، منزل

عنصر

مقدماتي ، ابتدائي ، اصلي

زدودن ، رفع کردن

باقوت تلفظ کردن ، تایید کردن

دورگرفتن ، احاطه کردن

نامنظم ، سرگردان

اغراق آمیز کردن

تذکر ، یادآوری

اسکله ، موج شکن

رایج ، شایع ، متداول

رها کردن ، ترخیص

مفید بودن

کور

پهن کردن ، وسیع کردن

essential word toefl 12 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 12	essential word toefl 12
demand	conspicuously	burgeon

essential word toefl 12	essential word toefl 12	essential word toefl 12
entirely	enormous	endorse

essential word toefl 12	essential word toefl 12	essential word toefl 12
recover	evaporate	erode

essential word toefl 12	essential word toefl 12	essential word toefl 12
suffer	shift	reporter

essential word toefl 13	essential word toefl 13	essential word toefl 13
elude	dignitary	crucial

essential word toefl 13	essential word toefl 13	essential word toefl 13
extensive	exhaust	evident

essential word toefl 13	essential word toefl 13	essential word toefl 13
facet	face GeneralEnglish.ir	extremely

خواستار شدن ، درخواست

بطور آشکار یا معلوم

جوانه زدن ، درآمدن

کاملاً ، کلاً ، سراسر

بزرگ ، عظیم ، هنگفت

پشت نویس کردن ، امضا کردن

ترمیم شدن ، بهبود یافتن ، بازیافتن

تبخیر کردن

فرسائیدن ، سائیدن ، فاسد کردن

تن در دادن به ، رنج بردن

تغییر مکان ، نوبت کار

گزارشگر ، خبرنگار

اجتناب کردن از ، طفره زدن

شخص بزرگ ، عالی مقام

وخیم ، بسیار سخت

پهنایور ، وسیع ، بزرگ

اگزوز ، خروج ، تخلیه کردن

بدیهی ، آشکار ، مشهود

صورت کوچک

روبه ، مواجه شدن

بشدت ، بافراط

essential word toefl 13 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 13	essential word toefl 13
obviously	inaccessible	hero

essential word toefl 13	essential word toefl 13	essential word toefl 13
suitable	solve	predictably

essential word toefl 13	essential word toefl 13	essential word toefl 13
avoid	arid	ample

essential word toefl 14	essential word toefl 14	essential word toefl 14
even	enact	defy

essential word toefl 14	essential word toefl 14	essential word toefl 14
fertile	freshly	feign

essential word toefl 14	essential word toefl 14	essential word toefl 14
indiscriminate	fundamental	function

essential word toefl 14	essential word toefl 14	essential word toefl 14
withstand	spacious GeneralEnglish.ir	selective

قهرمان ، دلاور

خارج از دسترس

بطور اشکار یا معلوم

پیشگویی ؟

حل کردن ، رفع کردن

درخورد ، مناسب ، شایسته

پهناور ، وسیع ، فراوان

خشک ، بایر ، لم یزرع

دوری کردن از ، احتراز کردن

بمبارزه طلبیدن

بصورت قانون درآوردن

زوج

وانمود کردن ، بخود بستن

بتازگی ، تازه

حاصلخیز ، پرثمر ، بارور

تابع ، وظیفه ، کار کردن

بنیادی ، اساسی

خالی از تبعیض

انتخابی

فراخ ، جادار ، وسیع

تاب آوردن ، مقاومت کردن با

essential word toefl 15 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 15	essential word toefl 15
gain	favor	durable

essential word toefl 15	essential word toefl 15	essential word toefl 15
handle	halt	generate

essential word toefl 15	essential word toefl 15	essential word toefl 15
insignificant	harmful	harbor

essential word toefl 15	essential word toefl 15	essential word toefl 15
postpone	perilous	mysterious

essential word toefl 15	essential word toefl 15	essential word toefl 15
substantial	reject	promote

essential word toefl 16	essential word toefl 16	essential word toefl 16
encompass	convey	conscientious

essential word toefl 16	essential word toefl 16	essential word toefl 16
highlight	heighten GeneralEnglish.ir	expansion

سود ، بهره تقویت

التفات ، توجه ، مرحمت

باودام ، پایا ، دیرپای

قبضه شمشیر ، وسیله ، لمس

مکت ، درنگ ، سکتہ

تولید کردن ، زائیدن

ناچیز

مضر ، پرگزند

لنگرگاه ، بندرگاه

عقب انداختن ، بتعویق انداختن

مخاطره آمیز ، خطرناک

اسرار آمیز ، مرموز ، مبهم

ذاتی ، جسمی ، اساسی

رد کردن ، نپذیرفتن

ترقی دادن ، ترویج کردن

دورگرفتن ، احاطه کردن

رساندن ، بردن ، حمل کردن

باوجدان ، وظیفه شناس

مشخص ، وارون ، نشان شده ،
پررنگبلندتر کردن
GeneralEnglish.ir

بسط ، انبساط

essential word toefl 16 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 16	essential word toefl 16
infancy	inevitable	inadvertently

essential word toefl 16	essential word toefl 16	essential word toefl 16
systematically	retrieve	miraculously

essential word toefl 16	essential word toefl 16	essential word toefl 16
zenith	unwarranted	unlikely

essential word toefl 17	essential word toefl 17	essential word toefl 17
delighted	confidential	agitate

essential word toefl 17	essential word toefl 17	essential word toefl 17
gradually	document	discreetly

essential word toefl 17	essential word toefl 17	essential word toefl 17
instantly	inordinate	influence

essential word toefl 17	essential word toefl 17	essential word toefl 17
inundate	intrinsic GeneralEnglish.ir	intentionally

سهوا"

نا گزير ، اجتناب نا پذير

بچگي ، طفوليت

بطور شگفتاميز

باز يافتن

از روي يك اسلوب معين

غير محتمل ، غير جذاب

غير قابل ضمانت

قله ، اوج

تحريك كردن ، آشفتن

محرمانه

محفوظ ، خوش ؟

از روي احتياط ، بصيرانه

مدرك ، سند ، دستاويز

بتدريج ، رفته رفته

تاثير كردن كردن بر ، ترغيب كردن

بي اندازه ، بيش از حد

فورا ، يكباره

عمدا ، قصدا

ذاتي ، اصلي ، باطني
GeneralEnglish.ir

سيل زده كردن

essential word toefl 17 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 17	essential word toefl 17
presumably	nominal	involve

essential word toefl 18	essential word toefl 18	essential word toefl 18
allocation	abuse	absurd

essential word toefl 18	essential word toefl 18	essential word toefl 18
fallacious	conservation	balanced

essential word toefl 18	essential word toefl 18	essential word toefl 18
limber	lack	feasible

essential word toefl 18	essential word toefl 18	essential word toefl 18
preconception	narrow	means

essential word toefl 18	essential word toefl 18	essential word toefl 18
swift	steady	robust

essential word toefl 19	essential word toefl 19	essential word toefl 19
develop	coherent GeneralEnglish.ir	antiquated

گرفتار کردن ، گیر انداختن

اسمي ، صوري ، جزئي

احتمالا

پوچ ، ناپسند ، ياهو

سو استفاده کردن از ، ضايع کردن

تخحيص ، واگذار کردن

متعادل ، متوازن

نگهداري ، حفاظت

غلط ، سفسطه آميز

امكان پذير ، شدي

نبودن ، نداشتن ، احتياج

تاشو ، خم شو

استطاعت ، دارايي ، مال

تنگ ، كم پهنا ، باريك

عقيده از قبل تشكيل شده

قوي هيكل ، تنومند ، ستبر

يكنواخت ، محكم ، پر پشت

سريع ، چابك ، تندرو

كهنه ، منسوخ ، متروك

چسبنده ، منسجم
GeneralEnglish.ir

توسعه دادن ، ايجاد کردن

essential word toefl 19 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 19	essential word toefl 19
normally	investigation	fabricate

essential word toefl 19	essential word toefl 19	essential word toefl 19
novel	notion	note

essential word toefl 19	essential word toefl 19	essential word toefl 19
relate	record	opposition

essential word toefl 19	essential word toefl 19	essential word toefl 19
varied	unbiased	suspect

essential word toefl 20	essential word toefl 20	essential word toefl 20
finance	disguise	accentuate

essential word toefl 20	essential word toefl 20	essential word toefl 20
narrate	innovative	initiate

essential word toefl 20	essential word toefl 20	essential word toefl 20
omit	occasionally GeneralEnglish.ir	nevertheless

ساختن

رسیدگی ، بازجوئی

معمولا ، بطور عادی

یاداشت ، تبصره ، توجه کردن

نظریه ، خیال

نو ، جدید ، بدیع ، رمان

ضدیت ، مخالفت ، مقاومت

بایگانی ، ضبط ، رکورد

باز گو کردن ، گزارش دادن

بدگمان شدن از ، ظنین بودن از

بدون تبعیض

دارای رنگهای گوناگون

با تکیه تلفظ کردن ، تکیه دادن

نهان داشتن ، پنهان کردن

سرمایه گذاری

ابداع کردن ، ابتکار کردن

بدعت‌آمیز ، ابداعی

داستانی را تعریف کردن

با وجود این ، با این همه

گهگاه ، گاه و بیگاه

از قلم انداختن

essential word toefl 20 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 20	essential word toefl 20
partially	overcome	outlandish

essential word toefl 20	essential word toefl 20	essential word toefl 20
submit	portray	pass

essential word toefl 21	essential word toefl 21	essential word toefl 21
motion	gather	decline

essential word toefl 21	essential word toefl 21	essential word toefl 21
phenomenon	pattern	partisan

essential word toefl 21	essential word toefl 21	essential word toefl 21
plentiful	placid	philanthropic

essential word toefl 21	essential word toefl 21	essential word toefl 21
scenic	rhythm	reaction

essential word toefl 21	essential word toefl 21	essential word toefl 21
vanishing	sheltered GeneralEnglish.ir	shallow

بیگانه وار ، عجیب و غریب	چیره شدن ، پیروز شدن بر	اندکی
--------------------------	-------------------------	-------

سپری شدن ، گذر کردن ، تصویب کردن	تصویر کشیدن ، توصیف کردن	تسلیم کردن ، ارائه دادن ، تسلیم شدن
----------------------------------	--------------------------	-------------------------------------

تتزل کردن	گرد آوری کردن	حرکت
-----------	---------------	------

چریک ، میهن پرست	نقشه یا طرح ساختن	پدیده
------------------	-------------------	-------

نوع پرست ، بشردوست	آرام ، راحت ، متین	وافر ، فراوان
--------------------	--------------------	---------------

واکنش ، انفعال	وزن ، سجع ، میزان	صحنه‌ای ، نمایشی
----------------	-------------------	------------------

کم عمق کردن	پناهگاه ، جان پناه GeneralEnglish.ir	ناپدید شدن ، غیب شدن
-------------	---	----------------------

essential word toefl 22 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 22	essential word toefl 22
hasten	archaic	account

essential word toefl 22	essential word toefl 22	essential word toefl 22
inactive	illustration	hue

essential word toefl 22	essential word toefl 22	essential word toefl 22
oblige	magnitude	intricate

essential word toefl 22	essential word toefl 22	essential word toefl 22
position	poll	overlook

essential word toefl 22	essential word toefl 22	essential word toefl 22
prompt	predominant	practical

essential word toefl 23	essential word toefl 23	essential word toefl 23
compel	approximately	analogous

essential word toefl 23	essential word toefl 23	essential word toefl 23
periodically	intrusive GeneralEnglish.ir	formidable

حساب ، شرح ، مسئول بودن

کهنه ، قدیمی

تسریع ردن ، شتاباندن ، شتافتن

رنگ ، شکل ، تصویر

مثال ، تصویر

غیر فعال ، سست ، بی حال

بغرنج ، پیچیده

بزرگی ، اندازه ، مقدار ، دامنه

مجبور کردن ، وادار کردن

مسلط یا مشرف بودن بر

رای گرفتن ، نظر سنجی کردن

شغل ، مقامیافت یافتن ، سمت ،
منصب ، قراردادن

عملی ، بکار خور

غالب ، مسلط ، حکمفرما

فوری ، بی درنگ

قابل قیاس ، مشابه

تقریباً

مجبور کردن ، وادار کردن

ترسناک ، سخت ، دشوار

فضول ، فضولانه ، سرزده

بصورت دوره‌ای

essential word toefl 23 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 23	essential word toefl 23
proportion	prophetic	prone

essential word toefl 23	essential word toefl 23	essential word toefl 23
reluctantly	reliably	readily

essential word toefl 23	essential word toefl 23	essential word toefl 23
triumph	sacrifice	renown

essential word toefl 24	essential word toefl 24	essential word toefl 24
discernible	Contaminate	afford

essential word toefl 24	essential word toefl 24	essential word toefl 24
mediocre	maintain	flourishing

essential word toefl 24	essential word toefl 24	essential word toefl 24
peculiar	parallel	negligible

essential word toefl 24	essential word toefl 24	essential word toefl 24
scattered	remarkable GeneralEnglish.ir	potent

تناسب ، نسبت ، درجه ، سهم

نبوتي ، مبني بر پیشگویی

مهيا ، درازکش ، دمر

از روي بي ميلي

بطور قابل اعتماد

زود ، به اساني ، سهولت

پيروزي ، فتح

قرباني ، قرباني براي شفاعت

آوازه ، نام ، شهرت

قابل تشخیص

آلودن ، سرایت دادن

تهیه کردن ، موجب شدن

حد وسط ، متوسط ، میانحال

نگهداشتن ، برقرار داشتن

درحال ترقی ، پیشرفت کننده

عجیب و غریب

موازي

ناچیز ، جزئی ، بی اهمیت

پراکنده ، متفرق

قابل توجه ، عالی
GeneralEnglish.ir

قوي ، پرزور ، نیرومند

essential word toefl 24 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 24	essential word toefl 24
tedious	somewhat	solid

essential word toefl 25	essential word toefl 25	essential word toefl 25
consistently	circulate	brief

essential word toefl 25	essential word toefl 25	essential word toefl 25
improperly	found	exhibit

essential word toefl 25	essential word toefl 25	essential word toefl 25
isolated	infrequently	impulsively

essential word toefl 25	essential word toefl 25	essential word toefl 25
sharply	profoundly	overtly

essential word toefl 25	essential word toefl 25	essential word toefl 25
unmistakable	Subsequently	situated

essential word toefl 26	essential word toefl 26	essential word toefl 26
controversial	characteristic GeneralEnglish.ir	chaotic

ملاّت آور ، خسته کننده	مقدار نامعلومي ، تاحدي	خالص ، ناب ، بسته ، منجمد
------------------------	------------------------	---------------------------

طور موافق ، بدون تناقض	به گردش در آوردن	کوتاه مختصر ، حکم ، دستور
------------------------	------------------	---------------------------

بطور ناشايسته ، بطور نامناسب	بنیاد نهادن ، تاسيس کردن	نمایش دادن ، در معرض نمایش قرار دادن
------------------------------	--------------------------	--------------------------------------

جدا ، تنها ، تك ، منفرد ، مجزا	کم ، کمتر ، ندره	بدون اراده
--------------------------------	------------------	------------

بزرگي ، بطور تيز ، تند ، سخت	زیاد ، بغایت ، بطور سنگین	اشکارا
------------------------------	---------------------------	--------

خالي از اشتباه و سوء تفاهم	سپس ، متعاقبا	واقع شده در ، واقع در
----------------------------	---------------	-----------------------

مباحثه‌اي ، جدلي ، جدال آمیز	مشخصه GeneralEnglish.ir	پرهرج ومرج ، بي نظم
------------------------------	----------------------------	---------------------

essential word toefl 26 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 26	essential word toefl 26
interpret	gratifying	exemplify

essential word toefl 26	essential word toefl 26	essential word toefl 26
particular	legitimate	launch

essential word toefl 26	essential word toefl 26	essential word toefl 26
span	ridge	radiant

essential word toefl 26	essential word toefl 26	essential word toefl 26
striking	stream	spontaneous

essential word toefl 27	essential word toefl 27	essential word toefl 27
ingredient	demonstration	aptly

essential word toefl 27	essential word toefl 27	essential word toefl 27
measurable	marvel	involuntarily

essential word toefl 27	essential word toefl 27	essential word toefl 27
reflection	odd GeneralEnglish.ir	moderate

بامثال فهمانیدن

لذت بخش ، خوشي دهنده

تفسير کردن

راه انداختن ، جا انداختن کالا در بازار

برحق ، قانوني

ویژه ، خاص ، سختگیر

تابناك ، متشعشع ، پر جلا

مرز ، لبه

وجب کردن ، اندازه گرفتن

خود بخود ، خود انگیز ، بي اختيار

مسيل ، نهر

برجسته ، قابل توجه

ازروي لياقت

تظاهرات ، نمايش تجربی

عناصر ، جزء ترکیبی

بي اختيار ، بدون اراده

شگفتي ، تعجب ، اعجاز

قابل اندازه گیری

معتدل ، ملایم ، آرام

آدم عجیب ، نخاله
GeneralEnglish.ir

بازتاب ، انعکس ، تامل

essential word toefl 27 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 27	essential word toefl 27
symbols	sustain	supposedly

essential word toefl 27	essential word toefl 27	essential word toefl 27
tightly	tangible	synthesis

essential word toefl 28	essential word toefl 28	essential word toefl 28
conceivably	amusement	aggravating

essential word toefl 28	essential word toefl 28	essential word toefl 28
debilitate	curative	convert

essential word toefl 28	essential word toefl 28	essential word toefl 28
perceive	finite	deplete

essential word toefl 28	essential word toefl 28	essential word toefl 28
tranquility	toxic	security

essential word toefl 28	essential word toefl 28	essential word toefl 28
underestimate	undeniable GeneralEnglish.ir	trap

بطور فرضي

نگهداشتن ، متحمل شدن

علائم ، نمادها

سنتز ، نتیجه گیری

قابل لمس ، محسوس

سفت ، محکم ، قایم ، تنگ

بدترکننده ، سخت کننده

سرگرمي ، تفریح

بطور امکان پذیر

تبدیل کردن ، معکوس کردن

داراي خاصیت درماني ، علاج
بخش

ناتوان کردن ، ضعیف کردن

تهی کردن ، خالی کردن ، به ته
رسانیدن

متناهی ، محدود

درک کردن ، دریافتن

ایمنی ، امان ، امنیت

زهري ، سمی

آرامش ، آسودگی

تله ، در تله اندازی ، سیفون

انکار ناپذیر

ناچیز پنداشتن ، دست کم گرفتن

essential word toefl 29 GeneralEnglish.ir	essential word toefl 29	essential word toefl 29
assimilate	acquire	acknowledge

essential word toefl 29	essential word toefl 29	essential word toefl 29
condensed	caliber	assortment

essential word toefl 29	essential word toefl 29	essential word toefl 29
precious	disregard	contradictory

essential word toefl 29	essential word toefl 29	essential word toefl 29
unravel	requisite	prominent

essential word toefl 29	essential word toefl 29	essential word toefl 29
volume	vast	vague

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
convince	clever	charisma

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
precarious	forfeit GeneralEnglish.ir	endure

تصدیق کردن

بدست آوردن ، حاصل کردن

یکسان کردن ، هم جنس کردن

ترتیب ، مجموعه ، دسته

قطرگلوله

فشرده ، خلاصه شده

متناقض ، مغایر

نادیده گرفتن ، اعتنا نکردن

گرانها ، نفیس ، پر ارزش

برجسته ، والا

شرط لازم ، لازمه

از هم باز کردن ، از گیر در آوردن

مبهم ، غیر معلوم

پهنای ، وسیع

حجم ، بلندی صدا

جذب روحانی ، گیرائی

ناقلا ، زرنگ ، زیرک

متقاعد کردن ، قانع کردن

تحمل کردن ، بردباری
کردن در برابرجریمه ، توان
GeneralEnglish.ir

پر مخاطره ، مشکوک

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
superior	sporadic	severe

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
widespread	weak	wanton

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
woo	witticism	wisdom

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
	witty	

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
Permissible	Sudden	Overseas (internationally)

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
unfavorable	Truly	Praise

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
independent	Appealing GeneralEnglish.ir	Suggestion

سخت ، سخت گیر

تک و توك ، گاهگاه

بالائي ، بالاتر ، مافوق

سرکش ، حرف نشنو

سست ، کم دوام ، ضعیف

شایع ، همه جا منتشر ، گسترده

فرزانگی ، خرد ، حکمت

بذله گوئي ، لطیفه

اظهار عشق کردن با ، عشقبازي
کردن با ، خواستگاري کردن

بذله گو ، لطیفه گو

خارج از کشور

ناگهاني ، ناگهان ، بي خبر

جایز ، مجاز

ستایش ، نیایش

صادقانه ، باشرفیت

نامساعد ، بد ، مخالف

اشاره ، تلقین

جذاب ، خوش آیند

مستقل ، ناوابسته

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
arbitrarily	Disturb	Objection

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
Broad	Constant	Perfect

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
appearance	Benefit	Progressive

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
permit	Although	Nimble

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
current	Renown	Alluring

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
Vigorous	Inspire	Dispense

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
rewarding	Perfect GeneralEnglish.ir	fragile

اعتراض ، مخالفت

مختل کردن ، مزاحم شدن

دلخواهي ، مستبدانه

کامل ، مام ، درست

ثابت

گشاد ، پهناور ، زن هرزه

مترقي ، ترقي خواه ، تصاعدي

فایده‌رساندن ، احسان کردن

ظهور ، پیدایش ، ظاهر

چست ، جلد ، فرز ، چابك

اگرچه ، گرچه

اجازه دادن ، مجاز کردن

فریبنده ، تطمیع کننده

آوازه ، نام ، شهرت

جریان ، رایج ، جاری

توزیع کردن ، معاف کردن

در کشیدن نفس ، استنشاق کردن ،
الهام بخشیدن

نیرومند ، زورمند

شکونده ، ترد ، نازك ، لطيف

درست ، بي عيب ، تمام عيار

ارزشمند

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
old	examine	Modify

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
adapt	Predict	Bothersome

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
Heighten	Enhance	Notice

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
continuing	Notice	Unbearable

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
indispensable	Revitalize	Suggest

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
haphazard	Clear	vague

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
perceptive	Astonishing GeneralEnglish.ir	Declare

پیراستن ، اصلاح کردن

امتحان کردن ، بازرسی کردن

پیر ، سالخورده ، کهن سال

پر درسر ، پرزحمت ، مزاحم

پیشگوئی کردن ، قبلا پیش بینی
کردن

وفق دادن ، اقتباس کردن

ملاحظه کردن ، اخطار ، آگهی

بالا بردن ، افزودن

بلند کردن ، بلندتر کردن

تحمل ناپذیر ، غیر قابل تحمل

ملاحظه کردن ، اخطار ، آگهی

مداوم ، لاینقطع

اشاره کردن بر ، پیشنهاد کردن

باز زنده ساختن ، احیا کردن

واجب ، حتمی ، ضروری

مبهم ، غیر معلوم

واضح ، شفاف ، زدودن ، ترخیص
کردن

اتفاقی ، برحسب تصادف

اظهار داشتن ، گفتن ، اعلام کردن

شگفت اور ، حیرت انگیز ،
تجربہ اور
GeneralEnglish.ir

حساس و باهوش

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
resolute	Misleading	Empower

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
appeal	Ban	Extract

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
entice	tenacious	Abdicate

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
yield	Puzzle	Astonish

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
radiant	cloud	Obstruct

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
fragile	Dare	Warn

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
Convince	Fascinate GeneralEnglish.ir	Strengthen

صاحب اختیار و قدرت کردن

گمراه کننده

صاحب عزم ، ثابت قدم

بیرون کشیدن ، استخراج کردن

قدغن کردن ، تحریم کردن

درخواست ، التماس ، جذب

محروم کردن از ارث ، کناره گیری
کردن ، استعفا دادن

محکم ، چسبنده ، استوار

فریفتن ، اغوا کردن

متحیر کردن ، گیج کردن

گیج کردن ، آشفته کردن

حاصل ، محصول دادن ، تسلیم شدن

مسدود کردن

تیره و گرفته ، ابری شدن

تابناک ، متشعشع

اخطار کردن ، هشدار دادن

جرات کردن ،

شکونده ، ترد ، نازک

نیرومند کردن ، قوی کردن

مجنوب کردن ، شیدا کردن

متقاعد کردن ، قانع کردن

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
rare	Discard	Substitute

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
standard	Rough	Mostly

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
traditional	Complicated	Relatively

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
restrictive	Extremely	Peculiar

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
stiff	truly	Massive

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
noticeably	adequately	ordinarily

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
hide	explain GeneralEnglish.ir	proper

جانشین ، تعویض

دور انداختن ، ول کردن

نادر ، کمیاب ، کم ، رقیق

بیشتر ، اساسا

زیر ، خشن ، درشت

معیار ، استاندارد

نسبتا ، بالنسبه

پیچیده ، بغرنج

سنتی

عجیب و غریب ، دارای اخلاق
غریب

بشدت ، بافراط

داروی پیش گیر ، محدود کننده

بزرگ ، حجیم ، عظیم

صادقانه ، باشرافت

سفت ، شق ، سیخ

معمولا ، عاده

بقدر کافی ، باندازه کافی

بطور قابل ملاحظه

مناسب

توضیح دادن ، روشن کردن
GeneralEnglish.ir

پوست ، چرم ، پنهان کردن

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
practical	continuous	prove

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
deform	crucial	chief

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
deliberately	thrive	different

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
hypothetically	hardly	disclose

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
produce	fracture	hasten

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
grow	grind	crawl

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
defect	discriminate GeneralEnglish.ir	enforce

ثابت کردن ، استدلال کردن

پیوسته ، مداوم

کابردی ، عملی

رئیس ، سر ، پیشرو

وخیم ، بسیار سخت

زشت کردن ، کج و معوج کردن

متمایز ، متفاوت

پیشرفت کردن ، رونق یافتن

بااندیشه ، باتامل

فاش کردن ، باز کردن ، آشکار کردن

سخت ، بسختی ، مشکل

فرضا ، بطور فرض

تسریع ردن ، شتاباندن ، شتافتن

شکستگی ، انکسار ، شکست

تولید کردن ، عمل آوردن

عمل خزیدن ، خزیدن

کوبیدن ، عمل خرد کردن یا آسیاب کردن

رستن ، روئیدن

وادار کردن ، مجبور کردن ، تاکید کردن

تبعیض قائل شدن
GeneralEnglish.ir

عیب ، نقص

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
gain	reflect	gather

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
carry	colonize	fragment

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
money	arrange	precise

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
Trust	thick	thorough

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
Foreign sales	exhibit	faint

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
enduring	imposing	enormous

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
basic	consistent GeneralEnglish.ir	bank

گرد آوري کردن

بازتابیدن ، منعكس کردن

بهره تقويت ، حصول

تکه ، قطعه قطعه کردن

تشكيل مستعمره دادن

به دوش گرفتن ، حمل کردن

دقيق ، مختصر کردن

آراستن ، چیدن ، قرار گذاشتن

پول ، اسكناس ، سكه

از اول تا آخر ، بطور كامل

ضخيم ، غليظ

اميد ، اعتقاد ، اعتبار

ضعيف ، كم نور ، غش ، ضعف
کردن

نمايش دادن

فروش خارجي

بزرگ ، عظيم ، هنگفت

تحميل کننده ، با ابهت

پرطاقت ، بادوام

بانك ، کنار ، لب ، ساحل

استوار ، ثابت قدم
GeneralEnglish.ir

پايه‌اي ، اساسي

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
frighten	shallow	delicate

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
ruin	convenience	strong

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
component	abode	scatter

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
major	definite	brilliant

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
emotional	colorless	inactive

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
dangerous	phenomenal	complex

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
primary	prepare GeneralEnglish.ir	tiny

ظریف ، خوشمزه

کم ژرفا ، کم عمق ، کم آب

بوحشت انداختن ، ترساندن

نیرومند ، قوي ، پر زور

آسودگی ، راحتی

نابودی ، خرابی ، خرابه

پراکندن ، پخش کردن

منزل ، مسکن ،

جزئی سازنده ، عنصر

زیرک ، بااستعداد

معین ، قطعی ، تصریح شده ،

عمده ، اکبر ، بزرگتر ، بیشتر ، اعظم

بی کاره ، غیر فعال

بی رنگ ، کم رنگ

احساساتی ، مهیج

پیچیده ، مرکب از چند جزء

پدیده‌ای ، حادثه‌ای

خطرناک ، خطیر

ریز ، خرد ، کوچولو

مهیا ساختن ، مجهز کردن

اولیه ، ابتدای ، عمده

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
surround	highlight	delete

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
remark	embellish	inconsistent

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
free	commonplace	dock

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
enlarge	unaware	assist

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
insist	noticeably	thrive

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
critical	notable	endure

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
deplete	apparent GeneralEnglish.ir	evade

حذف کردن

مشخص ، نشان شده ، پررنگ

فرا گرفتن ، محاصره کردن

متناقض ، ناجور

آرایش کردن

توضیح ، ملاحظه ، اظهار نظري
کردنموقوف کردن ، جاي محکوميا
زنداني در محکمه

پیش پا افتاده ، معمولي

آزاد ، مستقل

کمک کردن ، مساعدت کردن

بي اطلاع ، بي خبر

بزرگ کردن

پیشرفت کردن ، رونق یافتن

طور قابل ملاحظه

اصرار ورزیدن ، پايي شدن

تحمل کردن ، بردباري
کردن در برابر

شخص بر جسته ، چیز برجسته

بحراني ، انتقادي

طفره زدن از ، گریز زدن از

پیدا ، آشکار ، ظاهر

تهی کردن ، خالي کردن

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
confront	highly	comprehensive

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
thoroughly	tremendous	support

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
retrieve	disappear	deteriorate

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
aspect	switch	Rumor

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
evidently	remote	idol

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
appropriate	resolve	

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
avert	dry GeneralEnglish.ir	sufficient

جامع ، فرا گیرنده ، وسیع	به طر عالی ، زیاد	روبرو شدن با ، مواجهه دادن
--------------------------	-------------------	----------------------------

پشتیبانی ، تکیه‌گاه ، حمایت کردن	مهیّب ، فاحش ، عجیب ، عظیم	کاملا ، تماما ، سراسر
----------------------------------	----------------------------	-----------------------

بدتر کردن ، خراب کردن	ناپدید شدن ، غایب شدن	باز یافتن
-----------------------	-----------------------	-----------

شایعه ، شایعه گفتن	سویچ زدن ، روشن کردن	سیما ، منظر ، جنبه
--------------------	----------------------	--------------------

وابسته به خدایان دروغي وبت ها ، صنم ، معبود	دور ، پرت ، دور دست	ازقرار معلوم ، ظاهرا
---	---------------------	----------------------

	رفع کردن ، حل کردن یا شدن	مناسب ، اختصاص دادن
--	---------------------------	---------------------

کافي	خشك ، بي آب GeneralEnglish.ir	برگرداندن ، گردانیدن
------	----------------------------------	----------------------

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
equitable	legislate	resist

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
recently	rich	simulate

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
arbitrary	essential	role

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
survive	expansive	discriminate

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
attain	support	sturdy

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
manage	stop	create

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
meaningless	unhealthy GeneralEnglish.ir	shelter

مقائمت کردن

قانون وضع کردن

منصف ، متساوي

شبیه‌سازي کردن ، تشبیه کردن

توانگر ، دولتمند ، گرانبها

بتازگي ، اخيرا ، جدیدا

بخش ، طومار ، رل ، وظیفه ، نقش
(بازي در تاتر)

ضروري ، واجب

اختياري ، دلخواه ، مطلق

تبعيض قائل شدن

متمايل به توسع

زنده ماندن ، باقي بودن

محکم ، ستبر ، تنومند

حمایت کردن ، تایید کردن

دست یافتن ، رسیدن ، نائل شدن

آفریدن ، ایجاد کردن

ایست ، ایستادن

اداره کردن

پناهگاه ، جان پناه

ناتندرست ، ناسالم
GeneralEnglish.ir

بي معني

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
delay	dangerous	baffling

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
significant	refuse	boost

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
include	communicate	meticulous

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
intensify	growth	

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
unavoidable	carelessly	emphasize

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
recover	astonishing	beginning

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
unjustified	doubtful GeneralEnglish.ir	methodically

خطرناك ، خطير

تاخير ، به تاخير انداختن

گيج کردن ، بی نتیجه کردن

مهم ، معني دار

سرباز زدن ، رد کردن ، نپذيرفتن

بالا بردن ، زياد کردن

شامل شدن ، دربر گرفتن

ارتباط برقرار کردن

باريك بين ، خيلي دقيق ، وسواسي

سخت کردن ، تشديد کردن

افزايش ، ترقي ، رشد

اجتناب ناپذير ، غير قابل اجتناب

ازروي بي پروايي

باقوت تلفظ کردن ، تايد کردن

بهبود يافتن ، باز يافتن

شگفت اور ، حيرت انگيز تحير اور

آغاز ، ابتدا ، شروع

ناحق ، بيجهت

مشكوك ، مردد

باروش ، ازروي اسلوب ، باقاعده

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
secret	disturb	apex

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
prove	cautiously	elate

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
excessive	affect	steadily

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
inherent	deliberately	immediately

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
moderate	include	overwhelm

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
misuse	ridiculous	supposedly

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
Preservation	equalize GeneralEnglish.ir	distribution

اوج ، نوك

مختل کردن ، مزاحم شدن

محرمانه ، راز

سر بلند ، بالا بردن

از روی احتیاط

ثابت کردن ، در آمدن

بطور پيوسته و يك نواخت ،
باسعي و كوشش

اثر ، نتیجه ، احساسات

مفرط ، بیش از اندازه

بي درنگ

بااندیشه ، باتامل

ذاتي ، اصلی ، چسبنده

.سراسر پوشاندن ، غوطه‌ور ور
ساختن

شامل شدن ، دربر گرفتن

معتدل ، ملایم ، آرام ، میانه رو

بطور فرضي

مسخره آمیز ، مضحك

بد رفتاري ، سوء استفاده

توزیع

مساوی و مانند کردن
GeneralEnglish.ir

محافظت

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
shortage	possible	misconception

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
thin	method	flexible

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
rapid	constant	strong

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
evolve	logical	Old fashioned

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
typically	probe	invent

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
original	concept	detect

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
communicate	register GeneralEnglish.ir	resistance

تصور غلط

شدني ، ممکن ، امکان پذیر

محافظت ، جلوگیری

خم شو ، تاشو

روش ، اسلوب ، طریقه

کردن ، کم کردن ، رقیق کردن

نیرومند ، قوی ، پر زور

ثابت ، ثابت زمانی

تند ، سریع ، تندرو ، سریع العمل ،

از مد افتاده ، کهنه پرست

منطقی

درآوردن ، استنتاج کرد کردن ،
نموکردن

اختراع کردن ، از پیش خود ساختن

کاوش کردن ، تفحص کردن ،
کاوشگر

بطور نمونه

یافتن ، کشف کردن

فکر ، عقیده ، تصور کلی ، مفهوم

اصیل ، اصلی

پایداری ، ایستادگی

ثبات ، ثبت کردن
GeneralEnglish.ir

ارتباط برقرار کردن

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
diverse	objective	speculate

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
fund	conceal	emphasize

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
relate	inventive	launch

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
neglect	sometimes	nonetheless

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
somewhat	conquer	bizzare

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
propose	depict	approve

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
movement	collect GeneralEnglish.ir	decrease

گوناگون ، مختلف

مقصود ، هدف ، عيني ، معقول

اندیشیدن ، تفکر کردن

وجوه ، سرمایه ، تنخواه

پنهان کردن ، نهان کردن

باقوت تلفظ کردن ، تایید کردن

باز گو کردن ، گزارش دادن

اختراع کننده ، اختراعي ، مبتکر

به آب انداختن کشتي ، انداختن ،
پرت کردن ، روانه کردنغفلت ، اهمال ، مسامحه ، بی
توجهی

گاهی ، بعضي اوقات

بالین وجود ، با اینحال

قدری ، مقدار نامعلومی

پیروزي یافتن بر ، فتح کردن

عجیب و غریب

پیشنهاد کردن ، پیشنهاد ازدواج
کردن

نمایش دادن بوسیله نقشه و مانند آن

تصویب کردن ، موافقت کردن

جنبش ، تکان ، حرکت

جمع آوری کردن ، وصول کردن

کاهش ، نقصان یافتن ، کم کردن

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
occurrence	habit	biased

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
abundant	calm	humanitarian

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
picturesque	pulse	response

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
disappear	protected	superficial

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
accelerate	ancient	story

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
idle	picture	color

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
require	dimension GeneralEnglish.ir	complex

پیشقدر دار

عادت ، خو ، مشرب
جامه ، لباس روحانیت

رخداد ، وقوع ، اتفاق ، تصادف

نوع پرست ، بشر دوست

آرامش ، بی سروصدائی ،

بسیار ، فراوان ، وافر

جوابگویی ، پاسخ ، واکنش

ضربه ، نبض ، ضربان

زیبا ، بدیع ، خوش منظره

سرسری ، ظاهری

مکان حفاظت شده

ناپدید شدن ، غایب شدن

حکایت ، داستان ، نقل

باستانی ، دیرینه ، قدیمی

تسریع کردن ، سرعت دادن

تغییر رنگ دادن ، رنگ کردن

عکس ، تصویر ، مجسم کردن

تنبل ، استراحت

پیچیده ، مرکب از چند جزء

اندازه ، بعد ، اهمیت ، ابعاد

نیاز داشتن ، لازم بودن

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
location	survey	disregard

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
induce	principal	functional

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
oblige	around	Similar to

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
routinely	impose	overwhelming

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
dimension	predictive	Inclined to

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
hesitatingly	dependable	freely

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
achievement	concession GeneralEnglish.ir	prominence

نادیده گرفتن ، اعتنا نکردن ،
عدم رعایت

بررسی کردن ، پیمودن ، نقشه
برداری

محل ، مکان

تابعی ، وظیفه مندی

اصلی ، عمده ، مایه ، مدیر

القاء کردن ، تحمیل کردن

همسان ، همانند

گرداگرد ، دور ، پیرامون

مجبور کردن ، وادار کردن

سخت ، طاقتفرسا

تحمیل کردن ، اعمال نفوذ کردن

روزمره ، کار عادی ؟

سطح شیب دار

پیشگویانه

اندازه ، بعد ، اهمیت ، ابعاد

بطور آزاد یا رایگان

قابل اطمینان ، مورد اعتماد

بادودلی ، از روی تردید

برجستگی ، امتیاز ، پیشامدگی

اعطاء ، امتیاز ، امتیاز انحصاری
GeneralEnglish.ir

دست یابی ، انجام ، پیروزی

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
ascertainable	pollute	economical

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
average	preserve	thrive

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
distinctive	similar	insignificant

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
distributed	exceptional	powerful

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
monotonous	slightly	steady

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
dependable	distribute	fleeting

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
inappropriately	establish GeneralEnglish.ir	display

قابل تحقیق ، اثبات پذیر

نفس کردن ، آلودن

صرفه جو ، اقتصادی

متوسط ، میانگین

قرق شکارگاه ، شکارگاه

پیشرفت کردن ، رونق یافتن ،
کامیاب شدن

مشخص ، ممتاز

همسان ، همانند

ناچیز

توزیع شده

استثنائی

نیرومند ، مقتدر

یکنواخت ، خسته کننده

کمی ، اندکی

یکنواخت ، محکم ، پرپشت

قابل اطمینان ، مورد اعتماد

پخش کردن ، تقسیم کردن

زودگذر ، فانی

بطور غیر مقتضی

تاسیس کردن ، دایر کردن ، بنا نهادن

نمایش دادن ، نشان دادن

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
secluded	rarely	capriciously

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
quickly	significant	openly

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
indisputable	afterwards	located

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
debatable	typical	disorganized

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
clarify	satisfy	symbolize

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
specific	authentic	establish

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
cover	crest GeneralEnglish.ir	bright

بالهوسانه

بندرت ، کم ، کمتر ، ندرت

منزوي

اشکارا

مهم ، معني دار

بسرعت ، تند

تعيين محل کردن

پس از آن ، بعد از آن

بي چون و چرا ، مسلما

در هم ريخته

نمونه نوعی ، نوعی

قابل بحث ، قابل مناظره ،

نشان پردازي کردن ، نماپردازي کردن

خرسند کردن ، راضي کردن

روشن کردن ، واضح کردن

تاسيس کردن ، دایر کردن

صحيح ، معتبر ، درست

ویژه ، مخصوص ، معين

روشن ، درخشان ، تابان

قله ، يال ، بالاترين درجه

پوشاندن ، تامین کردن

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
remarkable	flow	instinctive

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
element	display	appropriately

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
assessable	wonder	automatically

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
image	strange	medium

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
sign	consistent	presumably

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
concrete	firmly	combination

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
possibly	entertainment GeneralEnglish.ir	irritating

غريزي ، فطري ، طبيعي

جاری شدن ، لبريز شدن

قابل توجه ، عالي

به طور مناسب

نمایش دادن

عنصر

خودبخود ، بصورت خودکار

شگفت ، تعجب ، حيرت

قابل ارزيابي يا تقويم

رسانه ، واسطه ، متوسط

ناشناس ، بيگانه ، خارجي

مجسمه ، تمثال ، شكل ، عكس

احتمالا

استوار ، ثابت قدم

نشان ، نشانه ، علامت

ترکيب

بطور محکم

بهم چسبيده ، سفت ، بتون ، محسوس

رنجاننده ، سوزش اور

پذيرائي ، سرگرمي
GeneralEnglish.ir

بالقوه ؟

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
weakening	healing	alter

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
observe	limited	consume

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
peacefulness	poisonous	safety

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
miscalculate	absolutely	retain

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
incorporate	obtain	concede

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
summarize	quality	selection

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
fine	ignore GeneralEnglish.ir	inconsistent

دگرگون کردن ، دگرگون شدن

شفا ، بهبودی

سست کردن ، ضعیف شدن ؟

مصرف کردن ، تحلیل رفتن

محدود ، منحصر ، مشروط

مراعات کردن ، مشاهده کردن

ایمنی ، بی خطری

زهردار ، سمی

ارامش ، امنیت ، اسودگی

نگاه داشتن ، از دست ندادن

مطلقا ، قطعا ، كاملا ، بكلي

اشتباه حساب کردن ، پیش بینی غلط
کردن

واگذار کردن ، تصدیق کردن

بدست آوردن

به هم پیوستن ، متحد کردن ، داخل
کردن ، جا دادن

گزینش ، انتخاب

کیفیت

خلاصه کردن

متناقض ، ناجور

نادیده گرفتن

جریمه ، توان ، غرامت
خوب

essential word toefl GeneralEnglish.ir	essential word toefl	essential word toefl
separate	require	renowned

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
quantity	huge	unclear

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
persuade	astute	appeal

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
relinquish	hazardous	persevere

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
exceptional	occasional	intense

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
extensive	ineffective	senseless

essential word toefl	essential word toefl	essential word toefl
attract	humor GeneralEnglish.ir	insight

مشهور ، نامدار ، معروف ، نامور	نیاز داشتن ، لازم بودن	جدا ، سوا ، جداگانه
--------------------------------	------------------------	---------------------

	سترگ ، کلان ، گنده	کمیت ، چندي
--	--------------------	-------------

درخواست ، التماس ، جذبہ	زیرک ، ناقل ، دانا	وادر کردن ، برآن داشتن ، ترغیب کردن
-------------------------	--------------------	-------------------------------------

پشتکار داشتن ، استقامت بخرج دادن	پرخطر	ترك کردن ، چشم پوشیدن
----------------------------------	-------	-----------------------

زیاد ، سخت ، شدید	اتفاقی ، گاه و بیگاه	استثنائي
-------------------	----------------------	----------

بیحس ، بیمعنی ، احمق	بی اثر ، بیهوده	پهناور ، وسیع ، بزرگ
----------------------	-----------------	----------------------

بصیرت ، زیرکی	شوخی ، خوشمزگی ، شوخ طبعی GeneralEnglish.ir	جلب کردن ، جذب کردن
---------------	--	---------------------